فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی(دوره جدید)

شماره ۳۹،
دوره نهم،
سال پنجم،
بهار۱۴۰۲،
صص ۱-۱۹

بررسی چگونگی حل‌وفصل دعاوی بدون ابزار قهری با استفاده از رویه عدالت ترمیمی و جرم‌شناسی صلح‌طلب

ندا غلامپور[۱]

چکیده

به‌طور بنیادین، پرهیز از قوه قهریه، یکی از مهم‌ترین شیوه‌های دوستانه حل اختلافات را به‌صورت خصوصی و محرمانه و همچنین به‌طور سریع‌تر و ارزان‌تر نسبت به رسیدگی قضایی حل‌وفصل می‌نماید. دین مبین اسلام بر صلح و سازش به‌عنوان روشی که نزاع و کشمش را میان افراد از بین می‌برد برجستگی بیشتری دارد. لذا بنا به درجه اهمیت موضوع، در این پژوهش که به شیوه تحلیلی-توصیفی با رویکرد استنباطی به رشته تحریر درآمده است، مسئله جرم‌شناسی صلح‌طلب و گزاره‌های آن همچون عدالت ترمیمی در پرتو قوانین داخلی ایران موردبررسی قرار گرفت. نتایج حاکی از بااهمیت بودن و کارآمدی این تأسیس حقوقی تحت لوای رعایت اصل انصاف و عدل و پرهیز از هرج‌ومرج قانونی داشته و بنابراین چنین نتیجه گرفته می‌شود که اساساً مشروعیت استفاده از صلح و سازش جهت حل‌وفصل اختلافات مورد اجماع همه فقها و حقوقدانان بوده و لذا قانون‌گذار نیز مقرراتی در خصوص سازش و تشریفات آن وضع نموده است. نظر به تراکم بالای پرونده‌ها در دستگاه قضایی کشور و نیز مزایای متعدد حل‌وفصل اختلافات از طریق صلح و سازش، پذیرش سازش و صلح یکی از کانال‌هایی است که به‌عنوان فصل‌الختام بسیاری از دعاوی و حل‌وفصل سریع‌تر اختلاف و از میان برداشتن مایه اصلی نزاع و ایجاد زمینه روابط دوستانه میان طرفین و جلوگیری از طرح دعاوی جدید می‌تواند بسیار کاربردی باشد. به همین منظور قانون‌گذار بر آن است تا تدابیر لازم را به‌منظور نقش‌آفرینی بیشتر صلح و سازش در حل‌وفصل دعاوی به کار گرفته و با ایجاد بستر مناسب جهت ترویج و استفاده بیشتر از صلح و سازش بخش بیشتری از اختلافات و دعاوی را از طریق این روش دوستانه حل‌وفصل فیصله دهد.

کلمات کلیدی: عدالت ترمیمی، جرم‌شناسی صلح طلب، میانجیگری، حل و فصل اختلاف، حقوق ایران

۱- کارشناسی ارشد حقوق، گرایش جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد گلبهار، خراسان رضوی، ایران (نویسنده مسئول)

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]

مقدمه

عملکرد ناکارآمدی نظام عدالت کیفری در زمینه مقابله با پدیده مجرمانه و عدم کارایی راهکارهای جرم‌شناسی رایج در بحث علت شناختی جرم، بستر مناسبی برای ارائه نظریات انتقادی در حوزه جرم‌شناسی در اعتراض به وضع کنونی جامعه و نهادهای عدالت کیفری را فراهم آورده است این نظریات منتقد و متعارض در قالب دیدگاه‌های منفرد و متنوع در درون یک رویکرد منسجم با عنوان جرم‌شناسی انتقادی در برابر جرم‌شناسی سنتی و متعارف قرارگرفته‌اند و ضمن به چالش کشیدن این جرم‌شناسی و شاخه‌های سه‌گانه در مبحث علت شناختی جرم از یک زاویه دید متفاوت به این موضوع نگریسته است و علل و عوامل اصلی وقوع جرم را نه در شخص مجرم و محیط پیرامون او بلکه در برابر ساختار نابرابر و تبعیض‌آمیز جامعه جستجو می‌کند. در بستر دادرسی کیفری از رهگذر تدوین و تصویب مقررات موجود ازجمله توجه جدی به فرآیند قضا زدایی و دوری از فرآیند کیفری و اصلاح و بهبود عملکرد این نظام از طریق به‌کارگیری راه‌ها و راهبردهای جایگزین در قالب‌ساز و کارهای متعدد و متنوع همچون توافقی شدن عدالت ترمیمی می‌پردازد ازاین‌رو با توجه به مشابهت به حقوق کیفری اسلامی که در سیاست کیفری اسلام ضمن آن‌که به جرم به‌عنوان عملی ضد ارزشی و مخالف نظم و امنیت اجتماعی توجه شده و به‌تناسب اهمیت و سنگینی آن مجازات پیش‌بینی می‌شود و مجرم نیز به‌عنوان انسانی شکست‌خورده و سقوط کرده از مقام عالی انسانیت که نیاز به دستگیری و اصلاح دارد موردتوجه ویژه است؛ هرچه هدف بعثت پیامبران به‌طورکلی تربیت و ساختن انسانی وارسته و صالح و بازسازی اصلاح افراد منحرف و بزه‌کار هست بنابراین مجازات در نظام کیفری اسلام به‌عنوان آخرین راه‌حل مطرح است. از مقایسه این مطالب با یکدیگر به زیرشاخه‌ی جرم انتقادی که (جرم‌شناسی صلح‌طلب) می‌باشد و سیره جرم‌شناسی صلح‌طلب به دنبال تحقق زندگی امن برای شهروندان است جرم‌شناسی صلح‌طلب علم و هنری است که بزه‌کاران و بزه‌دیدگاه جرم‌شناسی جنگجو را به شبکه‌های اجتماعی درتعارض با خشونت تغییر می‌دهد و آنچه متفکران صلح‌طلب را از دیگر جرم‌شناسان جدا می‌کند تلاش آنان جهت برقراری صلح در قبال جرم است آنان به دنبال جرم‌شناسی نرم‌اند (گونه‌ای از جرم‌شناسی که تدبیرهای سرکوبگر (چون زندان‌ها) را رد کرده است و راهبردهای انسانی پیشرفته و جامعه‌محوری چون میانجیگری، مصالحه، جایگزین‌های حل‌وفصل اختلاف‌ها و دیگر ابزارهای غیر کیفری را برای جامعه امن‌تر تجویز می‌کند). موفقیت این راهبردها و دیگر اقدام‌های جامعه‌محور کم ترسزاده با استدلال استنلی کوهن سازگار است. پس نتیجه این پژوهش به مقایسه مفهومی‌مصداقی آموزه‌های حقوق کیفری اسلامی با جرم‌شناسی صلح‌طلب می‌باشد که دراین پژوهش به بررسی و انطباق و یافتن مصادیق مشترک خواهیم پرداخت.

تعاریف و مفاهیم

در شناخت هر لفظی ابتدا ضروری است که معنا و مفهوم آن در منابع واژه‌نگاری فارسی موردتوجه قرار گیرد و بعدازآن در علم خاصی که موردمطالعه است نیز به بررسی معنای اصطلاحی آن پرداخته شود. به همین علّت ما نیز مفاهیم ذیل ازلحاظ لغوی و اصطلاحی تعریف می‌گردد.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]

جرم‌شناسی صلح طلب: معنای لغوی در لغت نامه دهخدا صلح طلب[1]یا صلح آمیز می‌باشد که معانی صلح طلب، صل جو، آشتی‌خواه جوینده صلح، طلبنده صلح، آرام جوی نیز مترادف آن است (دهخدا،۱۳۷۷). به بیانی دیگرجرم‌شناسی صلح‌طلب، رویکردی است که بر درمان، بازسازی، جایگزینی زندان، میانجیگری و نوعی نگاه عدالت اجتماعی که در آن به همه اشخاص بایستی فرصت‌های برابر برای موفقیت در زندگی کردن داده شود، تمرکز می‌نماید (کلنووسکی، ۱۳۹۰).

معنای اصطلاحی و مؤلفه‌های جرم‌شناسی صلح طلب: جرم‌شناسی صلح طلب یک جنبش غیرخشونت آمیز است علیه نابرابری و بی عدالتی اجتماعی و خشونتی که در جرم‌شناسی و عدالت جنایی و به طور کلی در جامعه یافت می‌شود. جرم‌شناسی صلح طلب با تأکیدش بر همبستگی معنوی بین فردی (درون فردی) و برون فردی به طور کامل با ظهور چشم انداز جرم‌شناسی اثباتی مرتبط است. اساساً جرم‌شناسی صلح طلب ادعا می‌کند که جرم با رنج مرتبط است. برای پایان دادن به جرم، باید به رنج پایان دهیم. این بدان معنی است که فقر، نژادپرستی، جنسیت گرایی، از خودبیگانگی، سؤرفتار در خانواده ها، آزار جنسی، همه اشکال دیگر رنج باید مورد رسیدگی قرار بگیرد، اگر می‌خواهیم جرم کاهش یابد (لینر وکولن[2]،۲۰۰۳)

عدالت ترمیمی: عدالت ترمیمی به عنوان الگوی مقابل یا همزیست با عدالت کیفری سنتی از دهه هفتاد قرن بیستم مورد توجه قرار گرفته است. مسایل و مشکلات ناشی از اجرای عدالت کیفری سنتی (عدالت کیفی مبتنی بر سزادهی و بازپروری) و از جمله عدم توجه کافی به حقوق و جایگاه بزه دیدگان و اجتماع و به‌طور کلی مصادره عدالت از طرف دولت و انتقادها و ایرادهای وارد بر آن،زمینه‌ساز ظهور عدالت ترمیمی و استفاده از برنامه‌ها و روش‌های اجرای آن در بسیاری از کشورهای جهان گردید(کلنووسکی، ۱۳۹۰).

سازش : سازش[3]در لغت به معنای سازگاری: صلح و آشتی، حسن سلوک و اتفاق و پیوستگی آمده است.(معین، ۱۳۵۷). همچنین از حیث اصطلاحی باید گفت که در قوانین ایران تعریفی از سازش ارائه نشده است، ولی پژوهشگران حقوق آن را این‌گونه تعریف کرده‌اند: «تعیین تکلیف اختلاف مدنی از طریق توافق بین طرفین، سازش نامی‌ده می‌شود» (جعفری لنگرودی،۱۳۹۱).

بزه پوشی: بدون تردید، بسیاری از روش‌های دادرسی کیفری نمی‌تواند از تأثیر نگرش‌های مختلف نسبت به جرم و مجازات به دور بماند. تلقّی خاصی که مصادیق جرم را منحصر در رفتارهای زیان باری می‌داند که به دلیل تعارض را به‌عنوان واکنشی صرفاً اجتماعی در برابر « کیفر » بودن آن ممنوع شده‌اند، لزوماً « ضداجتماعی» فرد با گروه و عمل ضداجتماعی برای ترمیم خسارت وارده به‌منظور پاسخ به انتظارات عمومی قلمداد خواهد کرد. از این دیدگاه کشف جرم و تعقیب مجرم یک ضرورت اجتماعی در دفاع از منافع جامعه شمرده‌شده و امکان ترک تعقیب نیز منحصراً مبتنی بر بهره‌ی اجتماعی آن قابل توجیه است. به‌علاوه، برداشتی که حاکی از موقعیت مؤثر کیفر و تکیه‌بر اهرم‌های رسمی پیش‌بینی‌شده در حقوق جزا به‌عنوان مهم‌ترین ابزار مقابله با بزه‌کاری است. گرایش جدی به کشف و اثبات جرم و نیز اجرای حتمی کیفر را موجب می‌گردد. لیکن، از دیدگاهی دیگر، چنانچه جرم، موجب خروج از ضوابط و

1 Peacemaking
2 Lanier, & Cullen
3 Conciliation

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]

تجاوز به ارزش‌هایی باشد که با ارتکاب آن منافع آن منحصراً و لزوماً به‌طور مستقیم هدف قرار و به‌عنوان برآیند انتظارات عمومی نخواهد «واکنش اجتماعی» نمی‌گیرد مبارزه با بزهکاری نیز، ضرورتاً به‌صورت بود. مضافاً این‌که، باور ناتوانی کیفر و ضعف کار آیی آن در دست‌یابی به اهداف واکنش‌های جزایی، تمایل به عدم تمسک به کیفر را برمی‌انگیزد. نگرش ویژه‌ای که در حقوق اسلام، نسبت به کنش و واکنش‌های جزایی وجود دارد موجب شده است که در سیاست جنایی اسلام، عکس‌العمل‌های کیفری تنها طریق مبارزه با بزه‌کاری تلقی نشده، حتّی راه‌های مناسب و کارآمد نیز شناخته نشود و ازاین‌رو، صورت‌های مختلف و گسترده‌ای در گریز از اجرای واکنش‌های جزایی پیش‌بینی و در جهت دفع کیفر تلاش شده است (غلامی،۱۳۸۵).

پیشینه پژوهش

اسفندانی و نیک منش(۱۳۹۸) در پژوهش خود با عنوان «بررسی فرهنگ بزهکارانه و بعدهای آن براساس دستاوردهای جرم‌شناسی در سنین مختلف» بیان می‌کند: گروهی که جرم را دو عاملی می‌دانند، وجودآماج جرم مناسب را نیزیکی ازاجزای موقعیت جرم به حساب می‌آورند؛ اما کسانی هم هستند که وجود آماج جرم مناسب را نیز به عنوان یک عامل مستقل در کنار بزهکار و موقعیت محسوب می‌کنند. آشنایی بیشتربا مفهوم و کارکرد موقعیت درتحقق جرم، مستلزم تفکیک و شناخت اجزای آن است. می‌توان با تجزیه وتحلیل واستخراج قواعد حاکم برموقعیت، نسبت به پیشگیری و کاهش جرم اقدام کرد. یافته‌ها حاکی از آن است که سرمایه اجتماعی شناختی درون خانواده، در بین پاسخگویان پسر بیشترین قدرت تبیین کنندگی بزهکاری را داشته است، در صورتی که سرمایه اجتماعی ساختاری درون خانواده، بیشترین قدرت تبیین کنندگی بزهکاری را در بین پاسخگویان دختر نشان داده است. همچنین در بین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی خانواده، صمیمیت اعضاء خانواده و حمایت اجتماعی رابطه معناداری با بزهکاری پسران داشته است، در حالی که در بین پاسخگویان دختر، آگاهی والدین و عضویت والدین در نهادهای اجتماعی با رفتارهای بزهکارانه رابطه معناداری را نشان داده‌اند. در همین راستا، صفاری و صابری(۱۳۹۸) در پژوهش خود با عنوان«جرم‌شناسی صلح طلب: رویکرد آن به جرم و راهکارهای مقابله با جرم» بیان می‌کند: توسعه علم جرم‌شناسی و به دنبال آن شکست دولت‌ها در برخورد با پدیده مجرمانه موجب شکل‌گیری رویکردهای جدیدی در اعتراض به وضع موجود جامعه شد.از جمله این رویکردها جرم‌شناسی انتقادی بود و از جمله نظریات مهمی‌که در بطن این رویکرد شکل گرفته جرم‌شناسی صلح طلب است. این شاخه از جرم‌شناسی مبتنی بر توافق و مصالحه بوده و بیانگر یک رویکرد صلح جویانه در برخورد با مرتکبین بزه است و درواقع مخالف هرگونه خشونت در اجرای مجازات‌ها است. نگرش جرم‌شناسی صلح طلب در مورد مفهوم جرم و راهکارهای مقابله با آن متفاوت از سایر جرم‌شناسی‌ها است که استفاده از این نگرش و راهکارها در مورد برخی جرایم می‌تواند آثار مفیدی را به همراه داشته باشد.در این راستا تجارب برخی کشورها کارایی دیدگاه‌های این نوع جرم‌شناسی را به اثبات رسانده است. هدف در این مقاله پس از شناخت مبانی فلسفی و دینی جرم‌شناسی صلح طلب،آگاهی از دیدگاه این نوع جرم‌شناسی نسبت به مفهوم جرم و پس از آن آشنایی با روش‌ها و ر اهکارهای مقابله با جرم از منظر این جرم‌شناسی است. در نهایت و پس از الهام از تجارب کشورهای اعمال‌کننده دیدگاه صلح طلب در حوزه برخی جرایم به ویژه جرایم خشونت بار پیشنهاد می‌شود در جهت تحقق هدف اصلی جرم‌شناسی‌های مختلف، یعنی کاهش جرایم، در

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]

تنظیم برخی لوایح و قوانین در ایران نیز از رویکردهای سنتی جرم‌شناسی فاصله گرفته و از دیدگاه‌های جرم‌شناسی صلح طلب نیز استفاده شود. همچنین زهروی و قهرمانی (۱۳۹۸) تحت عنوان «کارکردهای امر به معروف و نهی از منکر در پیشگیری اجتماعی از جرم» بیان می‌کند: پیشگیری اجتماعی که به عنوان یکی از مهم‌ترین رویکردهای پیشگیری غیرکیفری از جرم نضج پیدا کرده است به دو شاخه پیشگیری جامعه‌مدار و پیشگیری رشدمدار تقسیم می‌شود. در پیشگیری جامعه‌مدار که از قدیمی‌ترین و رایج‌ترین شکل پیشگیری غیرکیفری است، اقدامات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی پیشگیرانه نسبت به محیط اجتماعی اعمال می‌شود و در پیشگیری اجتماعی رشدمدار، عوامل خطر گرایش افراد به ارتکاب جرم در نهادهای جامعه‌پذیری نخستین همانند خانواده، مدرسه و گروه همسالان شناسایی و ارزیابی شده است. در این مقاله تلاش شد نقش و کارکرد امر به معروف و نهی از منکر در پیشگیری اجتماعی از جرم از منظر انواع پیشگیری اجتماعی جامعه‌مدار و رشد مدار بررسی شود.

چارچوب نظری پژوهش

در این خصوص به جرم‌شناسی صلح‌طلب از منظر آگوستوس اکتفا خواهیم کرد. گفتنی است که ایالات‌متحده یکی از بزرگ ترین و پرهزینه ترین نظام‌های زندان را در جهان دارد زیرا زندانی‌های آن نسبت به جمعیتش، بیشتری از هر کشور دیگری است. در واکنش به این موقعیت، جرم‌شناسی صلح‌طلب به‌عنوان شاخه‌ای از جرم‌شناسی برای دفاع از راه‌های جایگزین مجازات حبس ایجاد شده است. جرم‌شناسی صلح‌طلب در برخورد با جرم و مجرم، به جای رویکرد سلطه جویانه، رویکردی انسانی، غیر خشونت‌آمیز و علمی اتخاذ می‌کند. این نوع جرم‌شناسی به جرم تنها به‌عنوان یکی از انواع متعدد رنج نگاه می‌کند که نشان‌دهنده‌ی وجود انسان است. به عقیده‌ی جرم‌شناس‌های صلح‌طلب، تلاش‌های صورت گرفته برای جلوگیری از چنین رنجی باید شامل بازسازی عمده‌ی نهادهای اجتماعی همچون نظام اقتصادی و نظام عدالت کیفری شود تا این نهادها دیگر باعث ایجاد چنین رنج‌هایی نشوند (کانی پک،۱۳۹۱). همچنین باید اشاره کرد که بیکاری و حبس به ترتیب جنبه‌هایی از نظام اقتصادی و نظام عدالت کیفری آمریکا هستند که به تغییر نیاز دارند. به‌طور خلاصه، ایالات‌متحده به‌عنوان یک جامعه توجهی به جلوگیری از این مسائل ندارد بلکه تابع باور زندان و مجازات است. جرم‌شناسی صلح‌طلب به‌منظور پیروی از اصول عدالت کیفری و حقوق بشر، به دنبال پیشگیری و اصلاح و درمان است. «قواعد جرم‌شناسی صلح‌طلب به جان آگوستوس برمی‌گردد که در سال ۱۸٦۱، عفو مشروط را به نظام عدالت کیفری ایالات‌متحده معرفی کرد. ارائه‌ی طرح آزادی مشروط جان آگوستوس نیز همچون جرم‌شناسی صلح‌طلب بر اساس یک رویکرد انسانی، غیرسلطه‌جویانه و علمی در برخورد با مجرم استوار بود. آگوستوس معتقد بود که «هدف قانون اصلاح مجرم و جلوگیری از ارتکاب جرم است و هدفش مجازات با قصد قبلی یا از روی انتقام جویی نیست.» (زهری، ۱۳۹٤)

جان آگوستوس از سال ۱۸٦۱ تا ۱۸۵۸، ۱۱۵۰ مرد و ۷۹٦ زن را به قید ضمانت از زندان آزاد کرد. از دو هزار نفری که او ضامن‌شان شد، تنها۱۰نفر ناسپاس بودند یا فرار کردند. جان آگوستوس علاوه بر ضمانت کردن آن عده، به بیش از سه هزار زن نیازمند کمک کرده بود. در کل، أو به دسته‌ی مجرمان مشروب خوار، بسیار فقیر، بیکار و فاحشه کمک می‌کرد و به نفع نوجوانان کار می‌کرد.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]

آگوستوس کارهای زیادی برای مردمی‌که به قید ضمانتش آزاد شده بودند، انجام داد. او کاری کرد که تمامی‌آنها به مدرسه بروند یا کار شرافتمندانه‌ای به دست آورند. او اغلب مسکن افراد را تأمین می‌کرد و آمار تمام پرونده‌های تحت رسیدگی خود را داشت. در برخی از موارد، موکل‌هایی داشت که در خانه‌ی خودش زندگی می‌کردند. این موارد برخی اوقات شامل اصلاح و درمان مجرمان دارای مشکل مشروب‌خواری یا تأمین پناهگاه برای زنان و کودکان فقیر، بیکار و بی‌جا و مکان می‌شد (شیری،۱۳۹٦).

جان آگوستوس مجرمان مشروب‌خوار را مجبور می‌کرد که «ضمانت کنند» یا قول بدهند که دیگر مشروب نخورند. بیش از ۸۰ درصد مشروب‌خوارهایی که به آنها کمک می‌کرد، به شهروندان آرام و منضبط تبدیل شدند و کار پیدا کردند. او نشان داد که مشروب خورهای تحت مراقبتش موفق تر از کسانی بودند که روش‌های تنبیهی زندان در مورد آنها اعمال شده بود. برای نمونه، او به این نکته اشاره می‌کند که بیشترین تعداد افراد زندانی در شهرستان سافک در سال ٦۲-۱۸٦۱ مشروب خوارها بودند. آگوستوس نشان می‌دهد که تقریبا تمامی‌مشروب خوارها بیش از یک بار و برخی از آنها پانزده یا بیست بار محکوم شده بودند و اغلب به دلیل ادامه‌ی مشروب خواری، تنها چند روز بین آزادی و بازگشت مجرمان به زندان فاصله بود. آگوستوس این طور نتیجه گرفت که زندانی کردن افراد به‌عنوان یک اقدام تنبیهی و به حالت افراطی، «قابلیت ناچیزی در اصلاح افراد تحت تأثیر خود دارد. به عبارت دیگر، زندان یا مجازات شدید در کل مشروب‌خوارها را که افراد مبتلا به مشکل سوء مصرف مواد هستند، اصلاح نمی‌کند (گلدوزیان، ۱۳۹۷).

کار جان آگوستوس که عملا جرم‌شناسی صلح‌طلب را ارائه می‌دهد، بدون حبس مجرمان، به کاهش ارتکاب جرم کمک کرده است. همانطور که پیشتر گفته شد، کارهای او انسانی و غیرسلطه‌جویانه (ارائه‌ی مسکن، تلاش برای اصلاح فرد مشروب خوار، کمک به پیدا کردن کار برای فرد) و علمی (ثبت مشاهدات و اعمال روش‌هایی که موفقیت آنها اثبات شده بود) بود. علاوه بر این، او در برخورد با برخی از مجرمان، همانند جرم‌شناسی صلح‌طلب، مجازات جایگزینی به جز زندان را مطرح کرد.

کار آگوستوس زمینه‌ای‌برای توسعه و رشد بیشتر جرم‌شناسی صلح‌طلب فراهم می‌کند. بررسی زندان‌های آمریکا نشان می‌دهد که بین انواع افرادی که اکنون زندانی هستند و انواع افرادی که جان آگوستوس توانست در خارج از زندان اصلاحشان کند، شباهت‌هایی وجود دارد. در حال حاضر در ایالات‌متحده، الگوی گویایی برای افراد زندانی وجود دارد. سی و پنج درصد افراد در زمان دستگیری بیکار بودند و بیشتر آنهایی که شغل داشتند، دستمزدهای بسیاری پایینی دریافت می‌کردند. مجرمان مواد مخدر بیشترین نسبت افزایش آمار زندانی‌ها را نشان می‌دهند و تعداد آنها از ۵۸۰۰۰ نفر در سال ۱۹۸۳ به ۳۵٦۰۰۰ نفر در سال ۱۹۹۳ رسیده است. ۹۲ درصد کل زندانی‌های زندان‌های دولتی و ۷۵ درصد کل زندانی‌های زندان‌های فدرال محکوم به جرائم غیر خشونت‌آمیز بودند. موکل‌های جان آگوستوس نیز اغلب فقیر، بیکار، مشروب خوار (دارای مشکل سوء مصرف مواد و غیرخشن بودند. بر اساس انواع افراد زندانی و با توجه به موفقیت کار جان اگوستوس مجازات جایگزین در برخورد با اکثر جمعیت زندانی امروز مؤثرتر خواهد بود. مجازات جایگزینی همچون کار در خانه‌های نیمه کاره، اصلاح و درمان مشکل مواد مخدر در خارج از زندان، خدمات اجتماعی و جبران خسارت اجتماعی مشابه انواع روش‌های مورداستفاده‌ی جان آگوستوس در مورد موکل‌هایش است. پژوهش‌ها به وضوح نشان دهنده‌ی شکست زندان‌های امروزی و همچنین زندان‌های زمان جان آگوستوس در برخورد

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]

با بسیاری از انواع جرم (به‌طور خاص، افراد دارای مشکل مصرف الکل یا مواد مخدر است و نتایج این تحقیق حاکی از اثربخشی مجازات جایگزین در موارد جرائم غیر خشونت آمیز است(غلامی،۱۳۸۵).

با توجه به اینکه بیشتر زندانی‌ها در آمریکا متهم به جرائم خشونت‌آمیز هستند و در زمان دستگیری، بیکار و یا فقیر بودند، تصویب یک لایحه‌ی استخدام کامل از لحاظ منطقی می‌تواند از ارتکاب بسیاری از جرائم جلوگیری کند. در مقایسه، در کشورهای اسکاندیناوی و همچنین ژاپن و هلند نرخ کنونی بیکاری پایین (تقریباً ۰ درصد) و نرخ ارتکاب جرائم و نرخ حبس بسیار پایین است. بخشی از موفقیت جان آگوستوس این بود که برای بسیاری از موکل‌های خود شغل پیدا کرد. استخدام موکل‌هایش نقش مهمی در موفقیت اصلاح و درمان آنها داشت. جرم‌شناسان صلح‌طلب با تعمیم کار آگوستوس و در تلاش برای جلوگیری از بروز رنج، از اجرای یک لایحه‌ی اشتغال کامل حمایت می‌کنند که راهی انسانی، غیر خشونت آمیز و غیر مقتدرانه برای جلوگیری از ارتکاب جرم است.(مایز،۱۳۸٤). نظام زندان‌های آمریکا به‌عنوان یکی از بزرگترین و پرهزینه‌ترین نظام‌های جهان، ۱۲ میلیون زندانی با هزینه‌ی سالانه‌ی بیش از ۳۰ میلیارد دلار دارد. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که ارتباطی بین صرف پول برای حبس کردن افراد بیشتر و نرخ پایین تر ارتکاب جرم وجود ندارد و به این ترتیب، نشان می‌دهد که مجازات حبس روش مؤثری نیست. برای نمونه، با اینکه ایالات‌متحده نرخ بالای حبس خود را حفظ کرده است، همچنان بالاترین نرخ ارتکاب جرم را در بین کشورهای صنعتی دارد. کاهش نرخ ارتکاب جرم در ایالات‌متحده مستلزم اتخاذ یک رویکرد جرم شناختی صلح‌طلبانه است. همان طور که دیدیم، جان آگوستوس نسبتا در کار خود موفق بود و نمونه‌ای‌از اصول جرم‌شناسی صلح‌طلبانه را ارائه داد. اجرای مجازات جایگزین و یک لایحه‌ی اشتغال کامل ادامه و بسط کار موفق جان آگوستوس است و جرم‌شناسی صلح‌طلب از آن حمایت خواهد کرد (عوده، ۱۳۹٤).

ماهیت عدالت ترمیمی

عدالت ترمیمی، جنبشی نوین در حوزه جرم‌شناسی است. ازآنجاکه جرم موجب جریحه‌دار شدن وجدان جامعه می‌شود سازمان عدالت را بر آن می‌دارد تا آسیب‌های به وجود آمده را ترمیم کند و طرفین نیز مجاز به مشارکت در این فرآیند خواهند بود. بنابراین برنامه‌های عدالت ترمیمی، بزه‌دیده، بزهکار و دیگرانی که به نحوی تحت تأثیر جرم واقع‌شده‌اند را قادر می‌سازد که در مقابله با جرم دخالت مستقیم داشته باشند. افراد یادشده در مرکز فرآیند عدالت کیفری قرار می‌گیرند. دولت و حقوقدانان نیز تبدیل به تسهیل‌کنندگان سیستمی می‌شوند که هدف آن پاسخگویی بزهکار، بازسازی آسیب‌های واردشده به بزه‌دیده و همیاری کامل بزه‌دیده، بزهکار و جامعه است. درواقع فرآیند دخالت تمام طرفین، شرط بنیادین دستیابی به برون داد اصلاح و آرامش است(شیری،۱۳۹٦). تعریفی از عدالت ترمیمی که به‌طور فزاینده در گفتمان بین‌المللی به‌کاربرده می‌شود بر فرآیند و برون داد به نحو توأمان تأکید دارد: «عدالت ترمیمی فرآیندی است که به‌موجب آن، طرفین در خصوص چگونگی رسیدگی به پیامدهای جرمی معین، تصمیم‌گیری می‌کنند».

مصادیق عدالت ترمیمی در قبال جرم

مجرمان باید مسئولیت کارهای خود و آسیب ناشی از آن را بپذیرند. این روش به دنبال جبران خسارت بزه‌دیده‌ها، غرامت دادن مجرمان و بازگشت آنها به جامعه است. دستیابی به این اهداف نیازمند همکاری جامعه و حکومت است. عدالت ترمیمی به‌منظور برقراری تعادل میان منافع و نیازهای بزه‌دیده‌ها، جوامع، مجرمان و حکومت پیشنهادهایی را

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]

در جهت تغییر سیاست و عملکرد نظام عدالت کیفری آمریکا ارائه می‌دهد. نظام عدالت کیفری ایالات‌متحده نیازمند عدالت ترمیمی است.

به گفته‌ی وننس و استرانگ، عدالت کیفری در آمریکا، برخلاف کشورهای اروپای غربی، مبتنی بر عدالت سزادهنده است. عدالت سزادهنده به جرم به‌عنوان عملی بر ضد حکومت، نقض قانون و عمل فردی که تنها شخص مسئول آن است، نگاه می‌کند. عدالت سزادهنده مسئله‌ی دشوار جرم را تنها به حکومت واگذار می‌کند و نقش‌های اصلی نظام عدالت کیفری را تنها به حکومت و مجرم می‌دهد. در یک نظام کیفری مبتنی بر عدالت سزا دهنده، اعتقاد بر این است که مجازات مانع از ارتکاب جرم می‌شود و رفتار فرد را تغییر می‌دهد. علاوه بر این، عدالت سزادهنده میزان موفقیت خود را بر اساس میزان مجازات اعمال شده بر مجرم ارزیابی می‌کند.این موضوع نشان می‌دهند که عدالت کیفری سزادهنده‌ی مبتنی بر نرخ بالای خشونت و جرائم در ایالات‌متحده (در گذشته و حال حاضر) موفقیت چندانی نداشته است (مارتین[۱]،۲۰۱٤).

مدل عدالت ترمیمی به جرم به‌عنوان عملی بر ضد یک شخص یا جامعه می‌نگرد. عدالت ترمیمی اذعان می‌کند که مجرم به بزه دیده، جامعه و حتی خودش آسیب می‌رساند. بر اساس عدالت ترمیمی، مسئولیت جرم هم ابعاد فردی و هم ابعاد اجتماعی دارد. اثر وننس و استرانگ نشان می‌دهد که مجازات به تنهایی برای تغییر رفتار کافی نیست و موجب اخلال در هماهنگی جامعه و ارتباطات میان افراد می‌شود. نویسندگان این کتاب خاطرنشان می‌کنند که در نظام عدالت کیفری مبتنی بر عدالت ترمیمی، بزه دیده مهم‌ترین بخش فرآیند اصلاح جرم است و مجرم باید خسارت واردشده به او را جبران کند. علاوه بر این، عدالت ترمیمی میزان موفقیت خود را بر مبنای میزان ترمیم آسیب یا جلوگیری از آن ارزیابی می‌کند. نویسندگان این اثر به‌طور قابل قبولی استدلال می‌کنند که نظام عدالت کیفری مبتنی بر عدالت ترمیمی می‌تواند موفق باشد. وننس و استرانگ تأکید می‌کنند که عدالت زمانی به بهترین نحو اجرا می‌شود که در فرآیند عدالت کیفری، توجه یکسانی به بزه‌دیده‌ها، مجرمان و جوامع شود. با وجود لزوم پذیرفتن مسئولیت جرم توسط مجرم، جامعه و حکومت نیز باید بخشی از مسئولیت بازیابی احترام، درک و حمایت متقابل بین طرف‌های درگیر را به عهده بگیرند. نویسندگان چندین راه را ارائه می‌دهند که طی آن بزه‌دیده، مجرم، جامعه و حکومت می‌توانند در نظام عدالت کیفری آمریکا مشارکت داشته باشند. برای مثال، بزه دیدگان جرائم خسارت یا غرامت خود را از مجرم دریافت خواهند کرد. بزه‌دیدگان جرائم تشویق می‌شوند که در مورد نحوه‌ی جبران خسارت توسط مجرم در تمامی‌مراحل نظام عدالت کیفری نظر بدهند. جامعه و حکومت در صورت نیاز، به بزه‌دیده‌ها حمایت، کمک، بازپرداخت، اطلاعات و خدمات ارائه می‌دهند. مجرمان خسارت وارد به بزه‌دیده‌های خود را جبران می‌کنند و خدمات مفیدی برای جبران بدهی خود به جامعه ارائه خواهند داد. آنها با شرکت در برنامه‌های عدالت ترمیمی (برنامه‌های آگاهی بزه‌دیده)، با آسیب شخصی واردشده به بزه‌دیده‌های خود روبرو می‌شوند(مصدق، ۱۳۹٤). مجرمان تجربه‌های کاری به دست می‌آورند و کارهایی انجام می‌دهند که مهارت آنها را بالا می‌برد و وضعیت جامعه را بهبود می‌بخشد. جامعه به شدیدترین نحو ممکن آنها را کنترل می‌کند. علاوه بر این، مجرمان مهارت‌های تصمیم گیری کسب می‌کنند و فرصت کمک به دیگران را پیدا می‌کنند. نهادهای اجتماعی و حکومتی در اصلاح، طرح‌های ابتکاری امنیت جامعه

۱- Martin ,R

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]

و مسئولیت‌پذیری مجرمان مشارکت می‌کنند. آنها با مجرمان در پروژه‌های خدمات اجتماعی همکاری می‌کنند و به‌عنوان مربی، کارفرما و حامی به مجرمان کمک می‌کنند. در هر دو بخش خصوصی و دولتی، اقداماتی برای طراحی فرصت‌های کاری برای مجرمان صورت می‌گیرد تا بتوانند پول لازم برای پرداخت خسارت به بزه‌دیده‌ها را به دست بیاورند. علاوه بر این، فرصت‌های خدماتی در اختیار مجرمان قرار داده می‌شود که به آنها این امکان را می‌دهد تا سهم قابل توجهی در بهبود زندگی اجتماعی داشته باشند. جامعه با دادگاه‌ها و مراکز تأدیبی هم‌فکری می‌کند و نقش مهمی در روند محکوم کردن مجرم ایفا می‌کند(شمس،۱۳۹۲).

در مجموع، می‌توان دریافت که رضایت کلی بزه‌دیده‌ها و مجرمانی که در نظام عدالت کیفری مبتنی بر عدالت ترمیمی شرکت دارند نسبت به نظام‌های مبتنی بر عدالت جزایی بالاتر است و سه برنامه‌ی عدالت ترمیمی (برنامه‌های اصلاحی بزه‌دیده مجرم گفتگوهای گروه‌های خانوادگی و میزگردهای بزه دیده و مجرم) را ارائه می‌دهند که امکان رویارویی بزه‌دیده و مجرم را در خارج از دادگاه فراهم می‌کند. هدف از این رویارویی مجبور کردن مجرم به پذیرفتن مسئولیت کارهایش و جبران خسارت بزه‌دیده است. در برنامه‌های اصلاحی بزه‌دیده مجرم، «امکان ملاقات بزه‌دیده و مجرم با یکدیگر به کمک یک میانجی فراهم می‌شود تا مشکل خود را حل کنند و رویکرد خاص خود را در رسیدن به عدالت ایجاد کنند.» در برنامه‌ی دوم یعنی گفتگوهای گروه‌های خانوادگی، علاوه بر بزه‌دیده و مجرم و یک میانجی، خانواده‌ها با گروه‌های حامی بزه‌دیده و مجرم نیز در جلسه‌ی ملاقات شرکت دارند. «میز گرد مجرم و بزه‌دیده از گروهی از بزه‌دیده‌ها و گروهی از مجرمان تشکیل می‌شود که معمولاً به نوعی درگیر جرم مشابه‌ی هستند اما جرائم خاصی که مرتکب شده‌اند، یکسان نیستند؛ به عبارت دیگر، برنامه‌های اصلاحی بزه‌دیده مجرم و گفتگوهای گروه‌های خانوادگی مجرمان را با بزه‌دیده‌هایشان مواجه می‌کنند در حالی که میزگردهای مجرم و بزه دیده گروهی از بزه‌دیده‌ها و مجرمان غیر مرتبط را گرد یکدیگر جمع می‌کند».

وننس و استرانگ به این نکته اشاره می‌کنند که نرخ کاهش درگزارش جرائم، دستگیری‌ها و محکومیت‌ها (یعنی تنها ۱ جرم از هر ۳ جرم به پلیس گزارش می‌شود و به ازای هر ۱۰۰۰ جرم، حدود ۷۰ درصد منجر به دستگیری و ۳۵ درصد منجر به محکومیت می‌شود) مسئله‌ی مهمی‌در نظام عدالت کیفری کنونی آمریکا (نظام مبتنی برای عدالت سزا دهنده) است. این دو نویسنده دلایل قابلیت برنامه‌های عدالت ترمیمی در کاهش این نرخ کاهش را بر می‌شمارند. در وهله‌ی اول، «تأکید عدالت ترمیمی بر مشارکت جامعه و حکومت در ایجاد جامعه‌ای امن راهبردی است که می‌تواند احتمال گزارش جرائم به پلیس و شناسایی مظنون‌ها را بالا ببرد و در عین حال، وقوع جرم را کاهش دهد». در وهله‌ی دوم، «اگر بزه دیدگان به این باور برسند که چالش گزارش جرم و کمک به پیگرد قانونی مجرم با دریافت خسارت واردشده جبران خواهد شد، تمایل بیشتری به گزارش جرم پیدا خواهند کرد». به‌طور کلی، اثر عدالت ترمیمی وننس و استرانگ استدلال قابل قبولی در جهت تغییر نظام عدالت کیفری مبتنی بر عدالت سزادهنده در ایالات‌متحده به نظامی‌مبتنی بر عدالت ترمیمی ارائه می‌دهد (براسول،[۱] ۲۰۱۱).

---

۱ Braswell

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]

ویژگی‌های جرم‌شناسی صلح طلب

به طور بنیادین جرم‌شناسی صلح طلب به عنوان شاخه‌ای از جرم‌شناسی برای دفاع از راه‌های جایگزین مجازات حبس ایجاد شده است. جرم‌شناسی صلح طلب در برخورد با جرم و مجرم، به جای رویکرد سلطه جویانه، رویکردی انسانی، غیرخشونت آمیز و علمی اتخاذ می‌کند. این نوع جرم‌شناسی به جرم تنها به عنوان یکی از انواع متعدد رنج نگاه می‌کند که نشان دهنده وجود انسان است. به عقیده جرم شناس‌های صلح طلب، تلاش‌های صورت گرفته برای جلوگیری از چنین رنجی باید شامل بازسازی عمده نهادهای اجتماعی همچون نظام اقتصادی و نظام عدالت کیفری شود تا این نهادها دیگر باعث ایجاد چنین رنج‌هایی نشوند. بیکاری و حبس به ترتیب جنبه‌هایی از نظام اقتصادی و نظام عدالت کیفری آمریکا هستند که به تغییر نیاز دارند. به طور خلاصه، ایالات متحده به عنوان یک جامعه توجهی به جلوگیری از این مسائل ندارد بلکه تابع باور زندان و مجازات است. جرم‌شناسی صلح طلب به منظور پیروی از اصول عدالت کیفری و حقوق بشر، به دنبال پیشگیری و اصلاح و درمان است (جس لادی،۱۳۹۸).

بسیاری از مطالعات، البته در موارد معدودی که در ایالات متحده از مجازات‌های جایگزین استفاده می‌شود، به بررسی جایگزین‌هایی برای حبس می‌پردازند و این یافته‌ها را نشان می‌دهند: راه‌های جایگزین حبس ارزان‌تر از زندان هستند؛ نرخ ارتکاب مجدد جرم آنها پایین‌تر از حبس است؛ حبس مجرمان غیرخشونت آمیز در زندان خطر بالقوه یادگیری و آموزش از زندانی‌های خشن خطرناک را بالفعل می‌نماید؛ جمعیت بیش از حد زندان را کاهش می‌دهد و فضای بیشتری را برای جدا کردن مجرمان خطرناکی که باید از جامعه دور شوند، تأمین می‌کند. علاوه بر این، پژوهش‌ها نشان می‌دهد که اصلاح و درمان مصرف مواد مخدر، کار در بخش خدمات اجتماعی، جبران خسارت اجتماعی و کار در خانه‌های نیمه کاره امنیت جامعه را بالا خواهد برد. پژوهش‌ها به وضوح نشان دهنده شکست زندان‌های امروزی و همچنین زندان‌های زمان جان آگوستس در برخورد با بسیاری از انواع جرم (به طور خاص، افراد دارای مشکل مصرف الکل یا مواد مخدر) است و نتایج این تحقیق حاکی از اثربخشی مجازات‌های جایگزین در موارد جرائم غیرخشونت آمیز است(نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹٦).

با توجه به این که بیشتر زندانی‌ها در آمریکا متهم به جرائم غیرخشونت آمیز هستند و در زمان دستگیری، بیکار و یا فقیر بودند، تصویب یک لایحه استخدام کامل از لحاظ منطقی می‌تواند از ارتکاب بسیاری از جرائم جلوگیری کند. در مقایسه، در کشورهای اسکاندیناوی و همچنین ژاپن و هلند نرخ کنونی بیکاری پایین (تقریباً صفر درصد) و نرخ ارتکاب جرائم و نرخ حبس بسیار پایین است(جس لادی،۱۳۹۸).

بخشی از موفقیت جان آگوستس این بود که برای بسیاری از موکل‌های خود شغل پیدا کرد. استخدام موکل هایش نقش مهمی در موفقیت اصلاح و درمان آنها داشت. جرم شناسان صلح طلب با تعمیم کار اگوستس و در تلاش برای جلوگیری از بروز رنج می‌باشند و از اجرای یک لایحه اشتغال کامل حمایت می‌کنند که راهی انسانی، غیرخشونت آمیز برای جلوگیری از ارتکاب جرم است.

برای کاهش رنج، استفاده از جایگزین‌های حبس امر ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. ضمن اینکه طبق تحقیقات در کشورهای که نرخ بیکاری صفر یا نزدیک به صفر می‌باشد، نرخ حبس پایین است. لذا می‌بایست با ایجاد شغل‌های

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]

مفید در جامعه و استفاده از جایگزین‌های حبس، به کاهش رنج، تحقق عدالت و اجرای صلح طلبی کمک کنیم و این مهم با کمک و اتحاد آحاد مردم، دولت و فرهنگ سازی امکان پذیر می‌باشد(موریس و ماکسول، ۱۳۹۲).

جرم‌شناسی صلح طلب و مراحل آن از دیدگاه جان فولر

مدل‌های شش گانه جرم‌شناسی صلح طلب جان فولر شامل بدون خشونت، عدالت اجتماعی، ادغام سازی، وسایل صحیح، شاخص قابل اتکا و دلالت طبقه بندی می‌باشد. در این مبحث هر یک از مدل‌های شش گانه جرم‌شناسی صلح طلب را به صورت مختصر و مفید توضیح خواهیم داد.

بدون خشونت

جرم‌شناسی صلح طلب در ابتدای امر و به طور عمده با مسئله خشونت مرتبط است. بهترین مثال برای چگونگی نگرش جرم‌شناسی صلح طلب بر خشونت، بررسی مجازات اعدام است. جرم‌شناسی صلح طلبانه بر علیه مجازات مرگ به عنوان یکی از سیاست‌های عدالت جنایی بحث می‌کند. از منظر این دیدگاه ارتکاب خشونت عمدی توسط دولت همانند خشونت مجرم اشتباه تلقی می‌شود (نیازپور، ۱۳۹۰).

عدالت اجتماعی

هر راه حلی برای پرونده‌های عدالت جنایی باید مفهوم عدالت اجتماعی را شامل شود. عدالت اجتماعی مفهوم گسترده‌تری از عدالت نسبت به عدالت جنایی در نظر می‌گیرد. مسائل مرتبط با جنسیت‌گرایی و تبعیض نژادی و نابرابری نیز بخشی از دغدغه عدالت جنایی هستند. برای مثال، در بررسی پرونده‌های مجازات اعدام، الگوی طولانی مدت جانبداری نژادی آشکار بوده است. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که نژاد مجرم و نژاد بزه دیده بر کیفر مرگ تاثیرگذارند. احتمال بیشتری دارد که اقلیت‌ها نسبت به سفیدپوست‌ها مجازات مرگ را دریافت کنند. اگر چه دلایل دیگری برای استدلال علیه مجازات مرگ وجود دارد، این جانبداری نژادی آشکار، نقض مفهوم عدالت اجتماعی است. ممکن است مجرمان اقلیتی، جرم شدیدی مرتکب شوند. ولی دیدگاه جرم‌شناسی صلح طلبانه علیه مجازات مرگ بر مبنای عدالت اجتماعی استدلال می‌کند. وقتی که چنین مؤلفه‌های فراحقوقی بر تعیین کیفر تأثیر می‌گذارد(جان استون،۲۰۰۷).

ادغام‌سازی (بازپذیری مجرم)

ایده پشت ادغام‌سازی ساده است. همین ایده پیشنهاد می‌کند نظام عدالت جنایی باید نسبت به سهام داران در جامعه ادغام‌کننده‌تر باشد. در تعریف بسیار دقیق ما (جامعه آمریکایی) از مفهوم عدالت جنایی، مجرم علیه دولت اقدام می‌کند. دیگرانی وجود دارند که نفعی در پرونده دارند و کسانیکه می‌توانند دیدگاه‌های قانونی و جایگزین‌های ارائه کنند. خانواده‌های بزه دیده و مجرم به اندازه افرادی از همسایگی آنها یا از سایر مراجع جامعه محلی هستند، همگی طرفین دارای نفع هستند که نظر باارزشی دارند. وقتی که دولت به طورکامل کنترل چنین پرونده‌های را در دست می‌گیرد، دولت طرفین متأثر از موقعیت مجرمانه را از توسعه راه حل‌های خلاقانه خودشان محروم می‌کند. همچنین اعطای فرصت به مجرم برای مذاکره در خصوص نتایج (ناشی از مدل صلح طلبانه) را در بر می‌گیرد. به جای اینکه بر مجرم، مجازات تحمیل شود، مجرم با شرایطی توافق می‌کند و تصمیم گیری در خصوص ارتکاب جرم را به مالکیت خودش

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]

در می‌آورد و نحوه رفتارش. دیدگاه صلح طلبانه استدلال می‌کند چنین شرایطی از ادغام سازی، رضایت بیشتری و راه‌حل‌های بادوام تری نسبت به تعیین کیفرهای سنتی ایجاد کرد (مایز، ۱۳۸٤).

وسایل صحیح

یک نقل قول قدیمی وجود دارد که هدف وسیله را توجیه نمی‌کند. همین به طور خاص در نظام عدالت کیفری درست است. تمام حوزه حقوق شکلی توسعه پیدا کرده تا تضمین کند کنشگران عدالت کیفری حقوق مشروع و مدنی مجرم را نقض نمی‌کنند. جرم‌شناسی صلح طلب پیشنهاد می‌دهد که وسایل صحیح تضمین می‌کند که بزهکاران و بزه‌دیدگان در پرونده‌هایشان به توافق (حل و فصل) مجبور نمی‌شوند. ضمانت‌های قانونی رعایت تشریفات قانونی باید حفظ شوند، حتی ما راه حل‌های اثربخش‌تر و خلاقانه‌تر برای پرونده‌ها جستجو می‌کنیم.

علاوه بر این، سیاست‌ها و رویه‌های که توسط نظام عدالت کیفری اجرا (به کارگرفته شده) نباید وسایل صحیح برای اثربخشی را قربانی کند. یک مثالی از این نکته این است که (تهیه نیم رخ جنایی) طبقه‌بندی نژادی شدید توسط بسیاری از نهادهای مجری قانون استفاده می‌شود. به رغم اینکه هدف‌گیری اقلیت‌ها ممکن است به نظر پلیس بنا بر تجربیات و انتظاراتشان موجه به نظر برسد، چنین وسایل نادرستی به طور ذاتی غیرعادلانه می‌باشد و به سرعت تبدیل به رسالت (وظیفه) منحصر به فرد یا خودمختاری (پلیس) می‌شود. وقتی اقلیت‌ها به طور غیرمتناسب هدف قرار می‌گیرند، آن‌ها به طور غیرمتناسب دستگیر می‌شوند و این به عنوان ادله در توسعه نیم رخ جنایی مظنون بکاربرده می‌شود. آن به یک چرخه ظالمانه تبدیل می‌شود که وسایل نادرست برای نقض عدالت اجتماعی استفاده می‌شود (جان استون،۲۰۰۷).

صلح‌طلبی و آشتی در قلمرو حقوق کیفری از دیدگاه اسلام و قوانین داخلی

حقوق کیفریِ شکلی هر نظام حقوقی را در مجموعه قوانین آیین دادرسی کیفری و مقررات مربوطه می‌توان جستجو و رصد نمود. به موجب مادهٔ یک قانون آیین دادرسی کیفری که در سال ۱۳۹۲ و اصلاحات آن در سال ۱۳۹٤ به تصویب رسیده است- میانجیگری و صلح میان طرفین از جمله اهداف و مقاصد عمده دستگاه عدالت کیفری در حوزه قواعد و مقررات شکلیِ آیین دادرسی کیفری قلمداد شده است. در سیاست جنایی اسلام نیز احکام و شیو ه‌هایی در مراحل مختلف دادرسی مشاهده می‌شود که هدف کیفرزدایی و یا به تعبیر دقیق‌تر اجتناب و انحراف از کیفر را در نهایت دنبال می‌کند (حسینی، ۱۳۹۳). به طور قطع این رویکرد شارع و قانونگذار اسلامی را می‌توان رویکردی مبتنی بر رأفت و ایجاد صلح همگانی و آشتی عمومی در جامعه اسلامی تلقی نمود. لذا از این رهگذر، نگاه کلی این دو رویکرد به صورت تلفیقی با هدف زمینه‌سازی مقایسه تطبیقی به صورت مولفه‌های چندگانه، تشریح و تبیین می‌گردد.

رجحان بزه پوشی در مرحله تعقیب

در متون دینی، روایات متعددی که نوعاً ناظر به جرایم فردیِ دارای جنبهٔ حق‌اللهی هستند، شخص خطاکار و مجرم، مردم و نیز متولیان دستگاه عدالت کیفری را به ستر گناه پوشیدن جرم و خطا توصیه اکید کرده‌اند (نوبهار، ۱۳۸۹). افشاء سرّ و اعلان جرم به مراجع به مراجع قضایی تا زمانی که توبه، انابهٔ قلبی و رجوع به خدای خود و نیز جبران خسارات و آسیب‌های احتمالی امکان‌پذیر است، به هیچ وجه توصیه نمی‌شود؛ به گونه‌ای که در آموزه‌های اسلامی، مرتکب جرم از اقرار بر ارتکاب جرایم شخصی منع شده و افرادی نیز که شاهد بر ارتکاب برخی جرایمِ فاقد جنبهٔ

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]

عمومی هستند، از ادای شهادت نهی شده‌اند. مطابق روایتی، امام علی (ع) از اقرار شخص زانی، خشمگین شده و فرمودند: «چه عاری! عمل زشت را انجام می‌دهد و آنگاه آبروی خود را نزد مردم می‌برد. اگر در خانه خود توبه می‌کرد بهتر نبود؟ به خدا قسم اگر بین خود و خدای خود توبه می‌کرد بهتر از آن بود که من بر وی حدّ جاری کنم» (کلینی، ١٤١٣).

قضات و مأمورین و افراد دخیل در تعقیب و برخورد با مجرمین نیز مشمول دستور و توصیه اکید به ستر عیوب و خطایای مرتکبین و پرهیز از افشای سرّ ایشان هستند. امام علی(ع) در فرمان نامه معروف خود خطاب به مالک اشتر، نگاشته است: «... مردم را عیوب و منقصت‌هایی است که حاکم در پنهان داشتن آنها از همه سزاورتر است. به دنبال کشف خطاهایی که از تو پنهان مانده نباش ... پس چندان که می‌توانی زشتی‌های مردم را بپوشان تا خدا زشتی‌های تو را که دوست می‌داری از مردم مستور بماند، بپوشانند...» (سیدرضی، ١٣٨٣). مشابه این دستور در برخی از آداب قضاء در فقه اسلامی جلوه‌گر است تا آنجا که به قاضی توصیه شده که شهود را از ادای شهادت و حتی خود خاطی و متهم را از اقرار به جرم باز دارد یا او را به عدول از اقرار تلقین کند (حسینی، ١٣٩٣). بدین ترتیب و با سیاست ترجیح بزه‌پوشی به عنوان یکی از مصادیق و جلوه‌های جرم‌شناسی صلح‌طلب بر علنی کردن جرم در مرحلهٔ کشف و تعقیب جرم و مجرم، بخش عمدهای از رفتارهای مجرمانه، با تدبیر و درایت رأف تآمیز و مشفقانهٔ شارع و قانو نگذار اسلامی از دایره و قلمرو حقوق کیفری خارج شده و در راستای صلح‌جویی و لطف بیکرانِ شارع حکیم به مجازات و اِعمال کیفر منتهی نمی‌شوند.

پرهیز از کیفرگرایی در مرحله اثبات جرم

قانو نگذار اسلامی با هدف احتراز و انحراف از کیفررسانی به مجرم، از شیوه‌های متعددی همچون محدود کردن ادله اثبات جرم و سخت کردن آن شرایط اعتبار این ادله، بهره جسته است. به لحاظ پذیرش اصل برائت در حقوق کیفری که براساس آن همهٔ افراد تا زمان اثبات جرم بیگناه فرض می‌شوند، شمار ادله اثبات در آیین دادرسی کیفریِ اسلام بسی محدودتر از آیین دادرسی در قلمرو حقوق مدنی و غیرکیفری است. به عنوان مثال سوگند از عِداد ادله اثبات حدود و تعزیرات خارج شده است (خالقی، ١٣٩٥) بدین ترتیب جامعه به رغم آن که فرد را در مظانّ اتهام می‌یابد، اما با نگاهی ارفاقی و صلح‌مآبانه، او را از تعقیب کیفری مبرا دانسته و به اعمال مجازات نمی‌پردازد؛ مگر آ نکه خلاف آن به اثبات برسد (کاتوزیان، ١٣٨٣).

همچنین با حاکمیت قاعدهٔ درأ، وجود هر شبه‌های هرچند ضعیف، موجب انتفای مجازات است، چرا که در آیین دادرسی کیفریِ اسلامی، کلیهٔ دلایل، امارات و قراین ظنیه از عِداد دلایل مُثبتهٔ کیفری خارج هستند؛ خصوصاً با توجه به اینکه مراجع قضایی ملزم به تحقیق و تفحص در موارد وجود شبهه یا ادعای وجود آن نیستند و حتّی بعضاً از تحقیق و تفحص نهی شده‌اند (حسینی، ١٣٩٣).

ادلهٔ اثبات کیفری شناخته شده نیز گاه چنان مشروط و مقید شده‌اند که اثبات جرم از طریق آن ادله تقریباً غیرممکن و یا نادر است. به طور مشخص قیود و شرایط اعتبار شده در ادلهٔ اثبات جرایم جنسی مستوجب حدّ از این ویژگی برخوردار هستند. به عنوان نمونه وجود دهها شرط در مرحلهٔ ثبوت، اثبات و اجرا، زمینهٔ تحقق مجازات در جرایم جنسی را به طور چشمگیری کاهش می‌دهد به گونه‌ای که صرفاً در حد یک تهدید مؤثر باقی می‌ماند (کدخدایی و

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]

باقرزاده، ۱۳۹۰). افزون بر تشدید شرایط اثبات جرم و نیز ترغیب مجرم و شهود به عدم اثبات جرم، نصوص و روایاتی که بر ترجیح اشتباه در عفو و مجازات نکردن بر اشتباه در مجازات نمودن دلالت می‌کنند (به نقل از محقق داماد، ۱۳۹۰). همچنین به روشنی و صراحت از گرایش غیرقابل تردید و غالبِ سیاست جنایی اسلام به اجتناب از کیفررسانی در عمل با توسل به هر بهانه‌ای حکایت می‌کند. این رویکرد را می‌توان با نظریهٔ تعلیم اخلاقی در اهداف مجازات‌ها در انطباق دانست که با پرورش انگیزهٔ اخلاقی از طریق تهدید مانع ارتکاب جرم می‌شود (هاپتن، ۱۳۸٤).

برآیند میانجیگری و عدالت ترمیمی اسلامی و کیفری

نظریه عدالت ترمیمی را باید از تحولات اخیر در نظام عدالت کیفری برشمرد که بدون آ نکه به شکل فراگیری تجربه شود، رشد یافته است(رایجیان، ۱۳۹۱). عدالت ترمیمی بر آن است تا کلیهٔ طرفین درگیر در جرم را در فرایند نظام عدالت کیفری مشارکت داده و با ابزارهایی مانند میانجیگری، ضمن ترمیم رابطهٔ آسیب‌دیده میان بزهکار و بزه‌دیده و جبران خسارات وارد شده، تا حدّ امکان در مسیر جرم‌زدایی و قضاءزدایی حرکت نماید. برخی از پژوهشگران با تأکید بر کارکرد عدالت ترمیمی، آن را اینگونه تعریف نموده‌اند: «عدالت ترمیمی فرآیندی است برای درگیر نمودن کسانی که سهمی در یک جرم خاص دارند تا حتی‌الامکان به طریق جمعی نسبت به تعیین و توجه به صدمات و زیان‌ها و تعهدات جهت التیام و بهبود بخشیدن و راست گردانیدن امور اقدام نماید (زهری، ۱۳۹٤).

اصلاح و ترمیم آنچه که در رابطه میان بز هکار و بزهدیده صدمه دیده است، مستلزم تلاش برای ایجاد صلح و آشتی از یک سو و تنبّه و درک مرتکب جرم نسبت به آسیب وارده از سوی دیگر است که با بهره‌گیری از میانجیگری به عنوان یکی از کارآمدترین ابزارهای عدالت ترمیمی جرم‌شناسی صلح‌طلب، دست یافتنی است. عدالت ترمیمی در جستجوی بازگرداندن وحدت و هماهنگی به آن چیزی است که در نتیجهٔ ارتکاب جرم گسسته شده است. فرایندهای ترمیمی، اقداماتی برای ایجاد آشتی و توافق میان بزهکار و بازگرداندن هردوی آ نها به جامعه است(موریس و ماکسول، ۱۳۹۲).

در این راستا قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، در مواد ۸۲ و ۱۹۲ بازپرس را مکلف نموده است تا در جرایم قابل گذشت، سعی در ایجاد صلح و سازش نماید و یا موضوع را به میانجیگری ارجاع دهد و به رغم آن که تحقیق از شاکی و متهم غیرعلنی و انفرادی است، در این جرایم، حتی‌الامکان دعوا در دادسرا به صورت ترافعی رسیدگی می‌شود. چگونگی و ترتیبات لازم برای انجام میانج یگری به موجب مادهٔ ۸٤ قانون فوق، براساس آیین‌نامه‌ای است که در تاریخ ۱۳۹٤/۹/۸ به تصویب رئیس قوه قضاییه رسیده است. به موجب مادهٔ ۱ این آیین نامه، میانجیگری فرایندی است که طی آن بزه‌دیده و متهم با مدیریت میانجیگر در فضای مناسب در خصوص علل، آثار و نتایج جرم انتسابی و نیز راه‌های جبران خسارت ناشی از آن نسبت به بزهدیده و متهم گفتگو می‌کنند؛ و چنانچه سازش حاصل شود، تعهدات و حقوق طرفین تعیین می‌شود. میانجیگر نیز، عبارت است.

از شورای حل اختلاف، شخص یا مؤسسه‌ای که فرایند گفتگو و ایجاد سازش بین طرفین امر کیفری را مدیریت و تسهیل می‌نماید (خالقی، ۱۳۹۵) ملاحظه در مواد مذکور گواه آن است که قانونگذار تلاش مضاعفی را به منظور بهره‌گیری از ابزارهای عدالت ترمیمی به خرج داده و از توسعه و حرکت حقوق کیفری به سوی سازش و صلح‌طلبی در مقابل کیفرگرایی حکایت دارد. این مهم را در سایر جلوه‌های عدالت ترمیمی از قبیل: صدور قرار ترک تعقیب و

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]

قرار تعلیق تعقیب، دادن مهلت به متهم برای تحصیل گذشت شاکی، صدور قرار توقف تحقیقات توسط مقام قضایی، قرار بایگانی کردن پرونده و محدود کردن بازداشت‌های پیش از محکومیت، می‌توان ملاحظه کرد. در برخی جرایم خُرد نیز، مقام قضایی می‌تواند به درخواست متهم و با جلب موافقت بزه‌دیده یا مدعی خصوصی و با اخذ تأمین متناسب، مهلتی که بیش از دو ماه نباشد به متهم بدهد تا برای تحصیل گذشت شاکی یا جبران خسارت ناشی از جرم اقدام کند. همچنین مقام قضایی می‌تواند برای حصول سازش بین طرفین، موضوع را با توافق آنان به شورای حل اختلاف یا شخص یا مؤسسه‌ای جهت میانجیگری ارجاع کند. در قرارهای توقف تحقیقات و بایگانی کردن پرونده نیز که به ترتیب در مواد ۱۰٤ و ۸۰ این قانون آمده، رویکرد عدالت ترمیمی به وضوح دیده می‌شود. در این موارد از پیگیری پرونده، صرف‌نظر شده و از ادامهٔ تحقیقات و همچنین اعمال مجازات، خودداری می‌شود (مصدق، ۱۳۹٤).

نتیجه‌گیری

جرم شناسان صلح‌جو و سایر پژوهشگران در حوزه علوم حقوق، اساساً علت جرم را رنجی می‌دانند که انسان معاصر تجربه می‌کند و تنها راه پایان دادن به این رنج، استقرار صلح در ذهن انسان‌هاست. این رهیافت تأکید دارد خشونت به صلح نینجامیده و در فرض مردود کارایی، در تعارض با ضرورت اتخاذ وسایل صلح آمیز قرار می‌گیرد. در نتیجه، با بازنمایی عدالت به مثابه صلح، مجموعه ای از دگردیسی ها را در بستر جرم‌شناسی صلح ساز مطرح می‌نماید که محدود به پاسخ‌گذاری و پاسخ‌دهی نسبت به پدیده مجرمانه نمی‌گردد و مقابله مؤثر با وقوع جرم را در گرو تکوین سیاست جنایی صلح مدار و خشونت‌زدایی از تمامی ابعاد سیاست جنایی قلمداد می‌نماید. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که هرچند آموزه‌های جرم‌شناسی صلح‌ساز در حوزه سیاست جنایی و حتی نظام عدالت کیفری، معدود و ایده‌آل تبیین شده است، ولی این رهیافت در پرتوی پیوند خویش با وسعت گفتمان صلح و در بستر آینده‌پژوهی، قابلیت تکوین در بستر سیاست جنایی صلح مدار را دارد. از همین روی، توسعه علم جرم‌شناسی و به دنبال آن شکست دولت ها در برخورد با پدیده مجرمانه موجب شکل‌گیری رویکردهای جدیدی در اعتراض به وضع موجود جامعه شد.از جمله این رویکردها جرم‌شناسی انتقادی بود و از جمله نظریات مهمی که در بطن این رویکرد شکل گرفته جرم‌شناسی صلح طلب است. این شاخه از جرم‌شناسی مبتنی بر توافق و مصالحه بوده و بیانگر یک رویکرد صلح‌جویانه در برخورد با مرتکبین بزه است و درواقع مخالف هرگونه خشونت در اجرای مجازات‌ها است. لذا برحسب مستندات و مذکورات فوق، اینک نتایج ذیل استحصال یافته است.

۱- عدالت کیفری ترمیمی موجود، فلسفه‌ای را که قانون جزا بر آن استوار است تغییر داد، زیرا مصلحت قانون جزا دیگر محدود به بازدارندگی و سرکوب مجرم نیست، بلکه جبران خسارت بزه دیده و بازپروری مجرم در بین اعضای جامعه او یکی از مواردی است که در این زمینه وجود دارد و این مسئله از جمله فلسفه‌های مدرنی که است سیاست جنایی معاصر بر آن استوار می‌باشد.

۲. میانجیگری کیفری یکی از راه‌های جدید خاتمه دعوای کیفری است، این یک رویه سازشی و جبرانی است که به دنبال یافتن راه حلی دوستانه بین دو طرف دعوا به نحوی است که رضایت متقابل بین آنها حاصل شود، همچنین میانجیگری کیفری مشارکت افراد در نظام عدالت ترمیمی و جبران خسارت وارده به بزه دیده و همچنین وسیله

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]

اجتماعی مناسبی برای رسیدگی به آثار جرایم جزئی (برخی از جنایات) که ممکن است بر دستگاه قضایی سنگینی کند و کار آنها را مختل کند، تلقی می‌شود.

۳- نظام میانجیگری کیفری با هدف تحقق عدالت اجتماعی یکی از اهداف اساسی است که قانون آیین دادرسی کیفری شماره (۲۳) مصوب ۱۳۵۰ به دنبال تحقق آن است و لذا معرفی این نظام کمک موثری به تحقق عدالت ترمیمی و عدالت اجتماعی به طور یکسان خواهد کرد.

٤. اتخاذ سیستم میانجیگری کیفری به دستیابی به نتایج مثبت بسیاری از جمله: کاهش بار دادگاه‌ها، تسریع حل و فصل اختلافات و کاهش هزینه‌های مالی برای دولت کمک خواهد کرد.

۵- نظام حل و فصل کیفری با مزایایی که از تصویب نظام میانجیگری کیفری حاصل می‌شود و به ارتقای عدالت ترمیمی کمک می‌کند.

پیشنهادات پژوهش

-اقدام به قانونگذاری نظام میانجیگری کیفری و اتخاذ آن در محدوده جرایم موضوع ماده (۳) قانون آیین دادرسی کیفری و الزام قاضی به ارجاع اختلاف به میانجی داخلی یا خارجی و تعیین مهلت برای آن. حل موضوع از طریق میانجیگری زیر نظر قوه قضائیه ابتدا و ختم متاثر از قوانین تطبیقی که این امر را تصویب کرده است این نظام در حوزه عدالت ترمیمی به نفع زیادی دست یافته است.

-کار بر روی معرفی نظام حل و فصل کیفری در حوزه جنحه‌ها و جرایم کم اهمیت، همانطور که قانونگذاران فرانسه و مصر در آن انجام دادند، به گونه‌ای که در خدمت تحقق اهداف عدالت ترمیمی باشد.

-برای دستیابی به اهداف عدالت ترمیمی در راستای سیاست کیفری نوین، باید راهبردها و سیاست‌های ملی با هدف توسعه عدالت ترمیمی و ارتقای فرهنگ در بین مراجع انتظامی، قضایی و اجتماعی و همچنین اجرا شود. در میان جوامع محلی مساعد برای استفاده از عدالت ترمیمی، و باید مشورت‌های منظمی بین مقامات عدالت ترمیمی و مدیران برنامه‌های عدالت ترمیمی برای ایجاد درک مشترک از فرآیندها و نتایج ترمیمی، افزایش اثربخشی آنها، گسترش استفاده از برنامه‌های ترمیمی، و کشف راه‌هایی که در آن رویکردهای ترمیمی می‌توانند در رویه‌های عدالت کیفری ادغام شوند.

منابع

جس لادی، لوییس(۱۳۹۸). کتاب کوچک جرم‌شناسی صلح طلب. ترجمه: هژبرالساداتی، هانیه. تهران: نشر میزان،چاپ اول.

جعفری لنگرودی، دکتر محمّد جعفر.(۱۳۹۱).مبسوط در ترمینولوژی حقوق.جلد پنجم.چاپ پنجم.تهران: انتشارات گنج دانش.

حسینی، سیدمحمد.(۱۳۹۳). سیاست جنایی در اسلام و در جمهوری اسلامی ایران. تهران: سمت.

دهخدا، علی اکبر(۱۳۷۷). لغتنامه دهخدا. تهران :انتشارات دانشگاه تهران: چاپ دوم.

[Downloaded from jnriihs.ir on 2026-11-17]

ر. زهروی ز. قهرمانی(۱۳۹۷)، "کارکردهای امر به معروف و نهی از منکر در پیشگیری اجتماعی از جرم," فصلنامه علمی‌رهیافت پیشگیری از جرم، شماره ١٤، دوره سوم

رضی، شریف.(۱۳۸۳). نهج البلاغه. ترجمه محمد دشتی. تهران: پیام عدالت.

زهری، هوارد.(١٣٩٤). کتاب کوچک عدالت ترمیمی. ترجمه حسین غلامی. تهران: مجد.

شمس، عبدالله.(۱۳۹۲). آیین دادرسی مدنی دوره پیشرفته. جلد دوم. چاپ سی ام. تهران: انتشارات دراک.

شیری، عباس. (١٣٩٦). عدالت ترمیمی. تهران: بنیاد حقوقی میزان.

عوده، عبد القادر. (١٣٩٤). بررسی تطبیقی حقوق جزای اسلامی و قوانین عرفی. مترجم حسن فرهودی نیا. تهران: نشر احسان جلد ۲.

غلامی، حسین. (۱۳۸۵). عدالت ترمیمی. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی.

کاتوزیان، امیرناصر.(۱۳۸۳). یأس از اثبات و اصل برائت. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران. شماره ٦٦.

کانی پک. (۱۳۹۱). صلح پایدار. ترجمه: سهیلا ناصری. دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

کدخدایی، محمدرضا، باقرزاده، محمدرضا.(۱۳۹۰). بررسی حکم سنگسار از منظر فقه و حقوق بشر. اندیشه‌های حقوق عمومی. سال اول. شماره ۲.

کلنووسکی، پ.(۱۳۹۰). جرم‌شناسی صلح‌طلبانه، علت‌شناسی جرم یا فلسفه زندگی. ترجمه محمد کاظمی جویباری. فصلنامه حقوقی داور. سال هفتم. شماره ۵.

کلینی، محمدبن یعقوب.(١٤١٣). فروع الکافی. جلد ۷. بیروت: دارالضواء.

گلدوزیان، ایرج(۱۳۹۷). **حقوق جزای اختصاصی**. تهران :انتشارات دانشگاه تهران.

مایز، مایکل. (١٣٨٤). اصول و اهداف عدالت ترمیمی. ترجمه: امیر سماواتی پیروز، تهران:انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

مصدق، محمد. (١٣٩٤).آیین دادرسی کیفری. تهران: جنگل. چاپ ششم.

موریس، آلیسون، ماکسول، گابریل.(۱۳۹۲). عدالت ترمیمی، الگوی جدید تفکر در امور کیفری. ترجمه حسین غلامی. پژوهش حقوق و سیاست. سال چهارم. شماره ۹.

نجفی ابرندآبادی، علی حسین.(١٣٩٦). بشرهای اجتماعی و حقوقی عدالت ترمیمی در ایران.در دانش نامه عدالت ترمیمی. چاپ اول. تهران: نشر میزان.

نیازپور، امیر حسن.(۱۳۹۰). توافقی شدن آیین دادرسی کیفری. چاپ نخست. بنیاد حقوقی میزان.

Braswell, M., Fuller, J., & Lozoff, B. (2011). Corrections, peacemaking, and restorative justice: Transforming individuals and institutions. Cincinnati: Anderson.

Martin, R. (2014). A new vision for the social sciences: An introduction to integral theory.

Lanier Agnew, R., & Cullen, F. (2003). Criminological theory: Past to present (2nd ed.). Los Angeles:Roxbury

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]

Johnstone, Gerr and Van Ness, Daniel W., (2007), Handbook of Restorative Justice, Willan Publising.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]

Investigating how to Resolve Lawsuits without Coercive Means Using Restorative Justice and Pacifist Criminology

Neda Gholampour[1]

Abstract

Basically, avoiding coercion is one of the most important amicable methods of resolving disputes privately and confidentially, as well as faster and cheaper than judicial proceedings. The religion of Islam emphasizes peace and compromise as a way to eliminate strife and conflict between people. Therefore, according to the importance of the subject, in this research, which was written in an analytical-descriptive manner with an inferential approach, the issue of pacifist criminology and its propositions such as restorative justice were examined in the light of Iran's internal laws. The results indicate the importance and efficiency of this legal establishment under the banner of observing the principle of fairness and justice and avoiding legal chaos, and therefore it is concluded that basically the legitimacy of using peace and compromise to resolve disputes is the consensus of all jurists and jurists and therefore the legislator has also established regulations regarding reconciliation and its formalities. Considering the high density of cases in the judicial system of the country, as well as the many benefits of resolving disputes through peace and compromise, accepting compromise and peace is one of the channels that serve as the final chapter of many lawsuits and faster resolution of disputes, removing the main source of conflict and creating a basis for relations. Friendship between the parties and preventing new lawsuits can be very useful. For this purpose, the legislator has taken the necessary measures in order to play a greater role of peace and compromise in the settlement of disputes and by creating a suitable platform for the promotion and use of peace and compromise, a greater part of disputes and disputes can be resolved through this friendly method to decide.

Keywords: Restorative Justice, Peaceful Criminology, Mediation, Dispute Resolution, Iranian Law

1 Master of Laws, Criminal Justice and Criminology, Islamic Azad University, Golbahar Branch, Razavi Khorasan, Iran (Responsible Author)

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-17]